

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۵، شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۳۹۴، صص ۳۱۱ - ۲۸۷

تاب‌آوری و طراحی الگو واکنش‌های روانی - اجتماعی بعد از وقوع زلزله تهران

امیر عسکری -

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۱۷

چکیده

در این مقاله به طراحی یک الگو فرضی مبتنی بر واکنش‌های روانی - اجتماعی بعد از وقوع زلزله احتمالی در شهر تهران پرداخته‌ایم. این الگو فرضی به چهار مرحله نارضایتی، ازدحام، شورش و غارتگری تقسیم گردیده است که در هر مرحله عوامل هیجانی شوک، ترس، وحشت، غم، تنفر، احساس ناکامی، خشم، اضطراب و احساس ناامنی به طور مجزا نشان داده شده است. این الگو فرضی خاطر نشان می‌سازد که پیامدهای روانی - اجتماعی زلزله تهران به دو بخش پرخاشگری - غارتگری و ناامنی - ترک اجباری طبقه‌بندی می‌شوند. بخش پرخاشگری - غارتگری نشان می‌دهد که علاوه بر تلفات ناشی از زلزله، تلفات دیگری ناشی از درگیری‌های بین پلیس - غارتگران و مردم - غارتگران به وجود خواهد آمد. همچنین بخش ناامنی - ترک اجباری اشاره به مهاجرت بیشتر ساکنین تهران به زادگاه خود برای نجات جان و مال خود دارد، زیرا پیش‌بینی می‌گردد که تهران تا دو سال پس از وقوع زلزله قابل سکونت نباشد. در بخش دیگری از مقاله اشاره به مفهوم تاب‌آوری در زلزله احتمالی تهران می‌گردد و تمرکز بر این دارد که آموزش تاب‌آوری و اجرای برنامه‌های مشترک میان دولت و مردم می‌تواند به افزایش سطح تاب‌آوری در جامعه در زمان زلزله منجر گردد. از این رو گمان می‌رود که با افزایش تاب‌آوری در سطح جامعه، چهار مرحله فرضی واکنش‌های روانی - اجتماعی از نارضایتی تا غارتگری هیچ‌گاه به واقعیت تبدیل نگردد. در آخر، به برخی از ویژگی‌های افراد و جامعه تاب‌آور و نقش مسئولیت‌پذیری پس از بحران پرداخته شده است.

کلید واژگان: الگو فرضی، تاب‌آوری، تهران؛ زلزله، واکنش، روانی - اجتماعی.

مقدمه

«هرگاه که از طریق اخبار سراسری خبری مبتنی بر وقوع زلزله در نقطه‌ای از دنیا را می‌شنوم؛ با واقع‌بینی، به وقوع زلزله در تهران و آینده پس از این رخداد می‌اندیشم. هرچقدر فاصله زمین‌لرزه‌ها به تهران نزدیک‌تر است، گویی هشدار برای ایمنی و مداخله در رسانه‌ها جدی‌تر می‌شود. بعد از چند روز همه چیز فراموش می‌گردد و تا زلزله‌ای دیگر، به ادامه کار خود مشغول می‌گردیم» (یادداشت میدانی، پس از زمین‌لرزه ۴/۶ ریشتری دماوند و فیروزکوه - شهریور ۱۳۹۴).

طی ۱۰۰۰ سال اخیر در مجموع ۶ زلزله با بزرگی بیش از ۷ ریشتر در شعاع حداکثر ۱۰۰ کیلومتری از مرکز شهر تهران رخ داده است که آخرین آن زلزله ۷/۱ ریشتری سال ۱۸۳۰ میلادی دماوند بوده است. محاسبات اولیه نشان می‌دهد که بر مبنای فواصل زمانی زلزله‌های تهران هر ۲۱۸ سال است، بنابراین فرض می‌شود زلزله بزرگ در تهران ۳۳ سال دیگر یعنی در سال ۱۴۲۷ شمسی رخ خواهد داد. این در حالی است که این عدد منطق فنی - تخصصی ندارد و تنها یک تخمین فرضی است؛ زیرا هر لحظه احتمال زلزله در تهران وجود دارد (عسگری، لووی و مهرگان، ۲۰۰۷).

جدول ۱: شش زلزله بزرگ هزار سال گذشته در تهران

سال	بخش	گسل	اندازه
۸۵۵ میلادی	ری	کهریزک	۷/۱
۹۵۸ میلادی	طالقان	مشا	۷/۷
۱۱۱۷ میلادی	کرج	تهران	۷/۲
۱۶۶۵ میلادی	دماوند	مشا	۶/۵
۱۸۱۵ میلادی	دماوند	مشا	نامشخص
۱۸۳۰ میلادی	دماوند	مشا	۷/۱

زلزله پایتخت حساسیت‌های فراوانی دارد تا آنجا که از شخصیت‌های نظامی - سیاسی، متخصصان زلزله‌شناسی، روان‌شناسان بحران، جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان تا روحانیت و مردم کوچه و خیابان جملگی نسبت به دیدگاه فکری و نگرش خود نظرات کارشناسی و در مواردی هم غیرکارشناسی ارائه می‌دهند که البته همه اینها نتیجه ترس واقعی و اضطراب مرگ و تخریب است. اظهارنظرهای مختلفی درباره وقوع زلزله احتمالی تهران در سال‌های اخیر انجام گرفته است که در این زمینه دیدگاه‌های باقری، غلامی و کارشناسان شرکت جایکا نسبت به سایرین بر اساس روش‌شناسی علمی و دقیق‌تر ارائه شده است.

«گسل‌های شمالی در حال تغییر هستند و این موضوع مختص به زمان حاضر نیست و امری طبیعی به شمار می‌رود، در طی چند ماه گذشته نیز ۱۰۰ زلزله در اطراف تهران به وقوع پیوسته است. وقوع زلزله در تهران امری قطعی است زیرا سه گسل در اطراف تهران وجود دارد اما اینکه زلزله کی می‌آید؟ چگونه می‌آید و با چه قدرتی، هیچ‌کس نمی‌داند» (حسین باقری، رییس اسبق سازمان مدیریت بحران کشور، تارنمای تابناک ۱۳۸۹). این دیدگاه نشان می‌دهد که مسئولین ارشد سازمان مدیریت بحران کشور نسبت به وقوع زلزله احتمالی تهران کاملاً آگاه هستند، حال اولین پرسش پژوهش این است که سازمان مربوطه چه تمهیداتی را برای مدیریت بحران در تهران پس از وقوع زلزله در نظر گرفته است؟ از طرفی برخی دیدگاه‌ها به بحران‌های اجتماعی پس از زلزله تهران پرداخته‌اند. «می‌توان بیش از ۵۰ عامل برای پیش‌بینی و محاسبه یک فاجعه را برشمرد که در تهران وجود دارد و قطعاً اگر زلزله‌ای در تهران رخ دهد فاجعه‌ای مخرب‌تر از بم خواهیم داشت. تهران از منظر اجتماعی، زمین‌شناسی و عمران در زلزله دچار بحرانی می‌شود که شاید در هیچ کجای دنیا مثالی از آن وجود نداشته باشد» (نوریخس غلامی، استاد دانشگاه تهران و زمین‌شناس، همان منبع). این دیدگاه حاکی از این است که باید یک الگوی روانی - اجتماعی مبتنی بر زلزله تهران پیش‌بینی نماییم. از این رو دومین پرسش پژوهش این است که چه عوامل روانی - اجتماعی پس از وقوع زلزله در تهران رخ می‌دهد؟ در این میان کارشناسان شرکت ژاپنی جایکا - وابسته به وزارت امور خارجه ژاپن بر اساس شرایط جمعیت‌شناسی شهر تهران و ارائه خدمات امداد و نجات و اقلام مورد نیاز خوراکی و امنیتی بررسی‌های دقیقی را انجام داده‌اند.

«پیش‌بینی دقیق زمان وقوع زلزله تهران کار دشواری است، هر چند به دلیل وجود ۶ گسل مهم در پایتخت، یک روز چنین حادثه‌ای رخ خواهد داد. مناطق ۱۰، ۱۵ و ۱۷ شهرداری تهران به دلیل تراکم جمعیتی بالا، پرخطرترین قسمت شهر در مقابل خطر زلزله هستند. در رتبه بعدی مناطق ۱۸ و ۱۹ شهری جای می‌گیرند. در صورت وقوع زلزله سنگین، تعداد زیادی از آنها یا جان خود را از دست خواهند داد یا آنکه رفتار فعالیت انفرادی امداد به خانواده و همسایگان می‌شوند. در صورت وقوع زلزله در تهران، با امکانات موجود برای رسیدن به شرایط پایدار مانند ارائه غذای گرم و شروع بازسازی بیش از ۴ ماه لازم است درحالی‌که این زمان، باید به کمتر از ۴۸ ساعت کاهش یابد. در هنگام وقوع زلزله در تهران با مشکلات ثانویه‌ای همچون آتش‌سوزی‌های گسترده، توقف آب‌های سطحی، انباشت اجساد و تردد گسترده مواجه می‌شویم» (سرور، امینی و لاله‌پور، ۲۰۱۱).

با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش‌های شرکت جایکا در تهران، آخرین سؤال پژوهش این است که میزان تاب‌آوری مردم در مقابله با زلزله احتمالی تهران چگونه است؟

پرسش‌های پژوهش

در این مقاله به سه پرسش اساسی در خصوص وقوع زلزله احتمالی در شهر تهران می‌پردازیم که برای پاسخ به این پرسش‌ها لازم است که ابعاد روان‌شناختی، تکاملی، اجتماعی و فرهنگی را مورد بررسی اجمالی قرار دهیم.

(۱) سازمان مدیریت بحران کشور چه تمهیداتی را برای مدیریت شهر تهران پس از وقوع زلزله در نظر گرفته است؟

(۲) چه عوامل روانی - اجتماعی پس از وقوع زلزله در تهران رخ می‌دهد؟

(۳) میزان تاب‌آوری مردم تهران در مقابله با زلزله احتمالی چگونه است؟

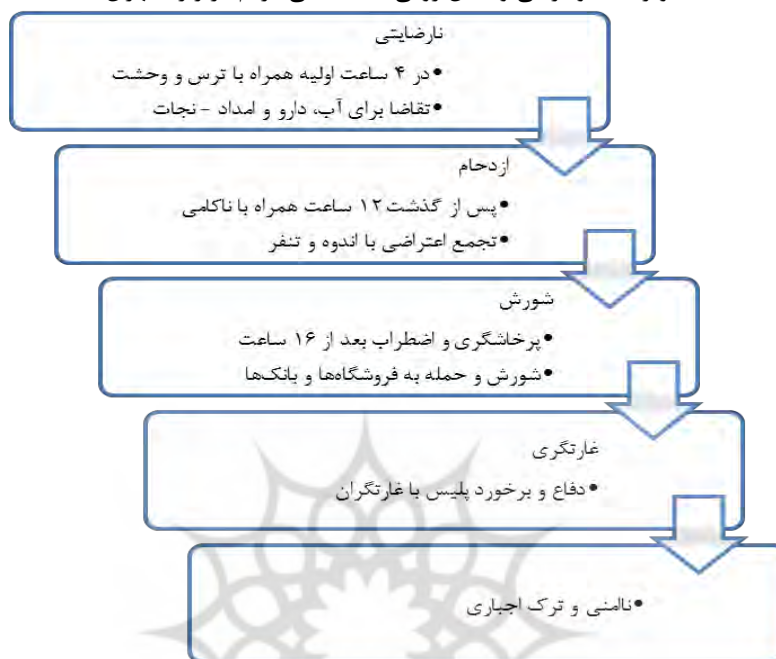
طراحی الگو فرضی واکنش روانی - اجتماعی مردم در زلزله تهران

بسیاری از افراد می‌دانند که شمال شهر تهران روی گسل‌های خطرناکی قرار گرفته است، با این حال آرزو دارند که روزی در مناطق شمالی تهران صاحب‌خانه گردند؛ این تضاد را در اصطلاح «ناهماهنگی شناختی» می‌نامیم. شرایط فعلی نشان می‌دهد که توسعه شهر تهران به شکل کاملاً غیراصولی انجام شده و حدود هشت میلیون نفر از جمعیت تهران در نواحی بسیار خطرناک روی گسل زندگی می‌کنند (بالاسانیان، سیسترناس و ملکومیان، ۲۰۰۰). پس از وقوع زلزله تهران، بیشتر ساختمان‌های قدیمی و ساختمان‌های تازه‌ساخت غیراستاندارد که روی گسل‌های معروف قرار گرفته‌اند به کلی تخریب می‌گردند. اکثر این ساختمان‌ها در جنوب و غرب تهران بنا شده‌اند. پس از وقوع زلزله لوله‌های گاز شهری شکسته شده و خطر گازگرفتگی و آتش‌سوزی وجود دارد. کابل‌های برق قطع خواهند شد و خطر برق‌گرفتگی محسوس است. لوله‌های آب می‌ترکند و خطر آب‌گرفتگی معابر و گل‌آلود شدن مناطق وجود دارد. ترافیک بسیار شدیدی به منظور فرار مردم از شهر و یا رساندن مصدومین به بیمارستان‌ها به وجود می‌آید. بر اثر سقوط درختان و تیرهای برق راه‌ها بسته خواهند شد و تردد ماشین‌های آتش‌نشانی و آمبولانس‌ها امکان‌ناپذیر می‌شود. اغلب مراکز امدادی اعم از بیمارستان‌ها و پلیس به علت فرسودگی ساختمان‌ها هم‌زمان با مردم دچار تبعات زلزله شده و بیشتر دکتراها، پرستاران و نیروهای نظامی و انتظامی برای نجات خانواده خود در محل کار حاضر نشده و یا محل کار را ترک می‌کنند. راه‌های برون‌شهری نیز با هجوم مردم استان‌های معین برای کمک‌رسانی قفل خواهند شد. به سبب سو مدیریت هر یک از سازمان‌ها و ارگان‌ها جداگانه تصمیم می‌گیرند و شرایط پیچیده‌تر از قبل می‌شود.

در چنین شرایطی مردم از وقوع زلزله در حالت شوک و ترس و وحشت به سر می‌برند. آنهایی که سالم مانده‌اند به دنبال اعضای خانواده خود در زیر آوارها هستند. فریاد برای کمک، دارو و آب شنیده می‌شود. به سرعت چهار ساعت از زمان وقوع زلزله می‌گذرد (مرحله اول) و مردم خسته از جستجو و ناکام از کمک‌رسانی به سمت مراکز دولتی مانند شهرداری‌ها، بهزیستی، هلال‌احمر، کلانتری و غیره تجمع می‌کنند (مرحله دوم). از آنجایی که پاسخگویی به نیازهای مردم در چنین شرایطی پیش‌بینی نشده است، لذا مراکز دولتی

آمادگی لازم را برای فراهم‌سازی نیازهای مردم آسیب‌دیده ندارند و در نتیجه مرحله سوم با تهاجم و غارت فروشگاه‌ها، بانک‌ها، مغازه‌ها، تلافروشی‌ها و غیره آغاز می‌شود.

تصویر ۱: الگو فرضی واکنش روانی - اجتماعی مردم در زلزله تهران



منبع: نگارنده

تجربه نشان داده است که هرگاه بقاء انسان به خطر می‌افتد، انسان‌ها ارزش‌ها، باورها، قوانین و مقررات را نادیده می‌گیرند و برای زنده ماندن دست به هرکاری می‌زنند. این الگو خاطر نشان می‌سازد که مسئولین مدیریت بحران شهر تهران تنها ۱۲ ساعت فرصت زمانی دارند تا به نیازهای غذایی، دارویی، امداد و نجات، اسکان و ایجاد امنیت مردم همت گمارند و در غیر این صورت بی‌ثباتی و هرج‌ومرج تهران را فرا خواهد گرفت. قطعاً مردم در مقابل غارتگران از اموال خود دفاع می‌کنند و نیروی‌های نظامی و انتظامی هم در مقابل غارتگری‌ها پاسخ می‌دهند که این واکنش‌ها منجر به بروز تلفات احتمالی پس از بحران می‌گردد (مرحله چهارم). پس از گذشت ۲۴ ساعت اول، ناامنی به اوج می‌رسد و بسیاری از مردم برای نجات جان خود با پای پیاده دست به ترک اجباری تهران می‌زنند. از آنجایی که تهران یک ابرشهر است و بیشتر ساکنین آن در سایر روستاها و شهرهای کشور اقوام و آشنایانی دارند، در ۴۸ ساعت آینده، نصف جمعیت نجات‌یافته تهران، برای بقاء جان و مال خود در حال مهاجرت هستند. احتمالاً تا ۲ سال بعد از وقوع زلزله، سکونت در تهران میسر نیست. این الگو فرضی کاملاً بر اساس پیش‌بینی تجربی واکنش‌های روانی - اجتماعی تدوین شده است و قبول یا رد آن تنها پس از وقوع زلزله واقعی در تهران میسر خواهد بود.

مفهوم تاب‌آوری در بحران

تاریخ این سرزمین از قرن‌های گذشته نشان می‌دهد که ایرانیان در هنگام مواجهه با دشمنان، حوادث و همچنین بلایای طبیعی، به جامعه‌ای همفکر، متحد و قدرتمند تبدیل می‌گردند. در حقیقت به لحاظ فرهنگی و اجتماعی، ایرانیان پس از وقوع یک بحران خیلی سریع به همبستگی گروهی، سازمان‌دهی توانمندی‌های فردی، بروز و کشف خلاقیت‌ها، نوآوری‌ها و ابتکار عمل در تصمیمات استراتژیکی بحران دست می‌یابند و البته مذهب و باورهای دینی نیز نقش قابل ملاحظه‌ای را به عنوان عوامل تسریع‌کننده ایفا می‌کنند. بهترین مثال برای این گفته دفاع گسترده و همه‌جانبه مردم پس از حمله رژیم بعث عراق در سال ۱۳۵۹ به مدت هشت سال به مرزهای غرب کشور است. با این حال، علیرغم نقاط قوت موجود در توانمندی‌های این ملت، هر ساله پس از اثرات زیان‌بار ناشی از زلزله، سیل، آتش‌سوزی جنگل‌ها و باد و طوفان‌های شدید در بیشتر مواقع ضعف‌های بنیادی در مدیریت آن بحران‌ها داشته‌ایم. همچنین تأثیرات منفی این حوادث و بلایا بر سلامت جسمی و روانی مردم، اقتصاد، زیرساخت‌ها و محیط‌زیست بسیار بیشتر از نمونه‌های مشابه در سایر کشورها بوده است و نیاز به انعطاف‌پذیری و تغییر نگرش مسئولان نسبت به اهمیت مسائل روانی - اجتماعی و افزایش تاب‌آوری مردم در برابر حوادث و بلایا را می‌طلبد. امروزه در سطح جهانی، تغییرات چشمگیری در نگرش به حوادث و بلایای طبیعی دیده می‌شود. دیدگاه غالب متخصصان از تمرکز بر کاهش آسیب‌پذیری به افزایش و رشد تاب‌آوری در برابر مشکلات تغییر نموده است. از این رو برای همسویی با چنین نگرشی، برنامه مداخلات روانی - اجتماعی پس از حوادث و بلایا باید به سمت ایجاد و تقویت خصیصه‌های اجتماع تاب‌آور باشد تا افراد آسیب‌دیده هر چه سریع‌تر به پایداری دست پیدا نمایند. کانر و دیویدسون (۲۰۰۳)، تاب‌آوری را به عنوان توانمندی فرد در برقراری تعادل زیستی - روانی در شرایط خطرناک و شرکت فعال و سازنده فرد در محیط پیرامونی تعریف کرده‌اند. گارمزی (۱۹۹۱) تاب‌آوری را توانایی سازگاری موفقیت‌آمیز با شرایط تهدیدکننده می‌داند. به نظر وی افراد تاب‌آور در برابر استرس، عموماً منبع کنترل درونی دارند، یعنی می‌توانند مسئولیت شرایط و مسائل خود را بر عهده گیرند، خودشناسی مثبت دارند و نسبت به زندگی خوش‌بین هستند. لاتر، سیستی و بکر (۲۰۰۰) معتقدند آن چیزی که در حوزه تاب‌آوری پس از حوادث و بلایا مطرح است این است که در فرایند تاب‌آوری، دو شرط مهم وجود دارد: (۱) افراد با تهدیدهای مهم یا سختی‌های شدید (مانند وقوع زلزله یا سیل) روبرو می‌شوند، (۲) با وجود سختی‌ها و مشکلات مهم به سازگاری مثبت دست یافته و پیشرفت می‌کنند (به نقل از کشاورزی و یوسفی، ۱۳۹۱).

به طور کلی با توجه به تعاریف مختلف از مفهوم تاب‌آوری تمام تعاریف متخصصان در چندین وجه مشترک هستند: (۱) تاب‌آوری سطحی از مقابله با سختی‌ها یا درجه‌ای است که افراد به مشکلات پاسخ می‌دهند و (۲) تاب‌آوری خاصیت و حس سبکی و راحتی به همراه دارد. به عبارت دیگر فرض می‌شود که افراد تاب‌آوری را به صورت توانایی ترمیم بدبختی‌ها و

تحت نفوذ قرار دادن و فائق آمدن بر سختی‌ها بر اساس سطوح مختلف کارکردهایشان ارائه می‌دهند و ۳) در تعاریف مختلف تاب‌آوری توانایی برتر است که به افراد اجازه می‌دهد که بر بدبختی‌ها و سختی‌ها غلبه کنند (هالی، ۲۰۰۰).

ویژگی‌های افراد تاب‌آور

تاب‌آوری از ضروریات زندگی در دنیای کنونی است. مشکلات و فشارهای ناشی از محیط کار، زندگی شخصی، تغییرات سریع اجتماعی و حوادث و بلایای طبیعی، همه و همه از جمله مسائلی است که فشارهای زیادی را بر افراد می‌آورند. افراد بسیار تاب‌آور می‌توانند پس از یک ضربه در مدت زمان کوتاهی به شرایط اولیه خود برگردند و زندگی روزمره را از سر گیرند. آنها افرادی انعطاف‌پذیر، تیز و خلاق هستند که می‌توانند سریعاً خود را با شرایط نامناسب سازگار کنند، می‌دانند چگونه با مشکلات مقابله و بر آنها غلبه کنند و در نتیجه از تجارب زندگی خود درس‌های زیادی می‌آموزند (جزایری و دهقانی، ۱۳۸۱).

در زیر تلاش گردیده تا دوازده خصیصه افراد تاب‌آور را در مقابله با حوادث و بلایای طبیعی توصیف گردد:

- ۱) افراد تاب‌آور خیلی زودتر از سایرین خود را با حادثه رخ داده سازگار می‌کنند. آنها به لحاظ عاطفی و فکری بسیار انعطاف‌پذیر بوده و توانایی بالایی در طیف هیجانات، احساسات و رفتارهای خود دارند.
- ۲) افراد تاب‌آور درد و رنج ناشی از وقوع زلزله و از دست دادن عزیزان و تخریب منازلشان را با ناله و گریه و سوگ به شکل کاملاً صادقانه ابراز می‌کنند و هیچ نگرانی از ابراز هیجاناتی مانند ترس، خشم و غم خود ندارند.
- ۳) افراد تاب‌آور از تجارب جدید به دست آمده از حوادث و بلایای طبیعی درس می‌گیرند و این تجارب را درون‌سازی کرده و در شرایط مشابه برای مقابله با مشکلات از آن تجارب به نفع خود و خانواده‌شان استفاده می‌کنند.
- ۴) افراد تاب‌آور بسیار کنجکاو هستند و سؤالات زیادی در مورد علت زمین‌لرزه، شدت آن، دلایل آن و میزان خسارت و تلفات می‌پرسند. آنها معمولاً از حضور مسئولین در مناطق زلزله‌زده استقبال کرده و پیگیر روند بازسازی و برنامه‌ها می‌شوند.
- ۵) افراد تاب‌آور از اعتمادبه‌نفس بالایی برخوردار هستند، آنها خودپنداره قوی دارند و چند روز بعد از وقوع زلزله، هنگامی که مردم در دوره‌های شوک و افسردگی به سر می‌برند، آنها مصممانه تصمیم به بازسازی خانه و کاشانه خود گرفته و کار را آغاز می‌کنند.
- ۶) افراد تاب‌آور به پیشرفت کارها با نگاهی خوش‌بین می‌نگرند. آنها امیدوارانه به آینده منطقه بحران‌زده‌شان می‌اندیشند. مثبت‌نگری آنها به ارزش‌ها و معیارهای درونی‌شان برمی‌گردد. آنها تحمل بسیار زیادی نیز در برابر قرار گرفتن در وضعیت بی‌ثبات و بی‌برنامه را دارند.

۷) افراد تاب‌آور ارتباطات زیادی با مردم دارند و بسیاری از این روابط دوستانه یا خانوادگی هستند. این روابط عمیق موجب می‌شوند که آنها پس از وقوع حوادث و بلایای طبیعی قدرت مقابله بیشتری در برابر استرس داشته باشند و احتمال ابتلا به مشکلات روان‌شناختی در آنها کم می‌گردد.

۸) افراد تاب‌آور به خوبی در برابر کمبودها و نقص‌ها مقاومت می‌کنند، آنها توانایی جبران نابودی و ناکامی را دارند و هرگز شکست در برابر سختی‌های زندگی را نمی‌پذیرند. آنها پس از وقوع زلزله اگر اقلام اولیه مورد نیازشان دیر به دستشان برسد اعتراض یا شورش نمی‌کنند.

۹) افراد تاب‌آور می‌توانند با آشنایان و خویشاوندان آسیب‌دیده خود همدلی و همفکری نمایند. آنها توانایی زیادی برای آرام‌سازی و آرامش‌بخشی به همسایگان زلزله‌زده خود دارند. دو واقع پس از وقوع زلزله معمولاً شش تا هشت ساعت زمان می‌برد تا نیروهای امداد و نجات خود را به مردم آسیب‌دیده برسانند، افراد تاب‌آور در این بین تا رسیدن نیروها به یاری همسایگان می‌شتابند.

۱۰) افراد تاب‌آور ظرفیت و پتانسیل بالایی برای کشف محیط پیرامون خود به منظور مقابله با مشکلات دارند. آنها از موقعیت‌های دشوار به نحوی هوشمندانه محیطی برای پیشرفت می‌سازند.

۱۱) افراد تاب‌آور توانایی زیادی برای ایجاد سرگرمی به منظور کسب آرامش و اهمیت ندادن به بحران ایجاد شده دارند. آنها با نوشتن افکار، شعرخوانی، حل جدول، کتاب‌خوانی و فعالیت‌هایی از این دست، ذهن خود را از فکر کردن مکرر به حادثه پیش آمده حفظ می‌کنند.

۱۲) افراد تاب‌آور از اولین کسانی هستند که به همکاری با نهادهای دولتی و مردمی جهت بازسازی منازلشان واکنش مثبت نشان داده و تمایل به همکاری و همیاری دارند. با توجه به دوازده مورد فوق‌الذکر، می‌توان دریافت که هم عوامل فردی، هم عوامل خانوادگی و هم عوامل اجتماعی، بر توانایی یک فرد برای تاب‌آور شدن اثر می‌گذارند. جدول زیر مؤلفه‌های اثرگذار بر تاب‌آوری را ارائه می‌دهد.

جدول ۲: عوامل اثرگذار بر تاب‌آوری

عوامل اجتماعی	عوامل خانوادگی	عوامل فردی
شرکت در اجتماع پذیرفته شدن از سوی همسالان مشاورین مناسب محل زندگی امن اثر مدرسه استفاده از امکانات درمانی مناسب	ساختار خانواده ثبات رابطه زوجین پیوند خانوادگی رابطه پشتیبانی متقابل میان والدین و فرزندان محیط‌های محرک پشتیبانی اجتماعی تأثیرات سوابق خانوادگی درآمد ثابت و مکفی مسکن مناسب	منبع کنترل درونی مجموعه باورها احساس مفید بودن مهارت‌های کنار آمدن با مشکلات تحصیلات، مهارت‌ها و آموزش‌ها سلامتی خلق خو جنسیت

منبع: نگارنده

وضعیت تاب‌آوری در مردم ایران

حقیقت آن است که ما در حوزه حمایت‌های روانی - اجتماعی نیاز به توسعه، پژوهش و تدوین شیوه‌های جدید برای انجام اموری داریم که تمهیدات اساسی را در سراسر کشور و از درون سازمان‌های ذی‌ربط دولتی و همچنین در میان انجمن‌های غیردولتی و نه با هدف سود، بلکه به طور گسترده‌تر برای رفاه جامعه و به منظور ارتقاء تاب‌آوری در برابر حوادث و بلایا و جلوگیری از ناخشنودی و نارضایتی مردم ایجاد نمایند.

پیش‌بینی اندازه، شدت، زمان، مکان و اثرات زلزله احتمالی تهران بسیار دشوار است و عوامل مختلف در سال‌های اخیر به این عدم اطمینان در رابطه با خطرات روانی - اجتماعی دامن زده است. بسیاری از عوامل، آسیب‌پذیری تهران را در برابر حوادث و بلایای طبیعی بیشتر می‌سازد. برخی از این عوامل شامل الگوهای کار و زندگی، انتظارات از کیفیت و سبک زندگی، تغییرات جمعیتی، مهاجرت داخلی، تجزیه جامعه در حال رشد، حساسیت‌های فرهنگی و همچنین تغییر شبکه‌های اجتماعی محلی و پایداری گروه‌های داوطلب هستند. پیچیدگی‌های رو به رشد و وابستگی‌های درونی نظام‌های اجتماعی، فنی و زیرساختی نیز نقش مهمی در افزایش آسیب‌پذیری ما در برابر حوادث دارند. فشارهای موجود جهت توسعه شهری و گسترش مناطق حاشیه‌نشین یا بافت‌های فرسوده و در معرض خطر در هنگام وقوع زلزله مشکلات زیادی به همراه دارند که قبل از وقوع حادثه، انتظار از پیش‌بینی، نیازسنجی، سبک ارائه خدمات و امکانات را به دنبال می‌آورند.

تجربه نشان داده است که مردم ایران در رابطه با نوع واکنش روانی - اجتماعی نسبت به حوادث و بلایای طبیعی و برای تاب‌آوری بیشتر، به صورت کاملاً متفاوت از یکدیگر عمل می‌کنند. برای مثال پس از وقوع زلزله در روستاهای آذربایجان شرقی، برخی از روستاییان

به تبریز و اطراف آن مهاجرت کرده، برخی در روستای زلزله‌زده مانده و برخی نیز در یکی از شهرستان‌های ورزقان یا هریس مستقر شده و روزانه به روستایشان رفت‌وآمد می‌کردند. هر دسته از این خانواده‌ها روش اقامتی خود را بهترین سبک زندگی برای مقابله با سختی‌ها و برای کسب آسایش و آرامش مؤثرتر می‌دانستند. در نتیجه برخی از عواملی که ممکن است بر تاب‌آوری خانوارها پس از وقوع زلزله تأثیرگذار باشند عبارت‌اند از: دوری یا نزدیکی از منطقه زلزله‌زده، تراکم جمعیت، وضعیت اقتصادی، سطح طبقه اجتماعی، شرایط سنی، زبان و قومیت.

از سوی دیگر، افزایش دفعات وقوع زلزله و سایر بلایای طبیعی در سال‌های اخیر، میزان تخریب، مرگ‌ومیر و همچنین آسیب‌پذیری روان‌شناختی رو به رشد منجر به فشارهای بی‌سابقه مادی و غیرمادی به دولت شده است. تمایل سازمان‌های دولتی برای کمک به جوامع نیازمند و فشار از سوی رسانه‌ها و جامعه برای کمک به مردمانی که در شرایط بحرانی قرار گرفته‌اند منجر به انتظارات غیرواقعی و وابستگی‌های بی‌دلیل در برخی از مناطق بحران‌زده شده است که در صورت تداوم، ممکن است توانمندسازی اجتماعی، خودباوری و اتکابه‌نفس مردمان آسیب‌دیده را تضعیف نماید. در واقع، جوامع بحران‌زده به منظور بر عهده گرفتن مسئولیت‌های اجتماعی مشترک برای مقابله و سازگاری با حوادث و بلایا نیاز به ایجاد شبکه اجتماعی مستحکم و قدرت درون‌گروهی دارند.

در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، به نظر می‌رسد که حوادث و بلایای طبیعی تأثیر یکسان و مشابهی بر همه افراد جامعه ندارند و اغلب اقشار ضعیف و اعضای آسیب‌پذیرتر اجتماع هستند که دچار سخت‌ترین صدمات نسبت به دیگران می‌گردند. این مسئله حتی در بین همسایه‌های یک روستای زلزله‌زده نیز صدق می‌کند، در حقیقت تاب‌آوری و مشکلات اقتصادی از خانواده‌ای به خانواده دیگر متفاوت است. در منطقه شنبه و طسوج در استان بوشهر، برخی از خانواده‌ها مایحتاج زندگی خود را به راحتی از مغازه‌ها تهیه می‌کردند، اما بسیاری دیگر به علت فقر اقتصادی منتظر دریافت هدایا و اقلام مورد نیاز اولیه از سمت سازمان‌ها و خیرین بودند. تفاوت بارزی در تحمل مشکلات و سختی‌ها بین این دو دسته از خانوارها وجود داشت.

از این رو نمی‌توانیم یک برنامه کلی تاب‌آوری برای همه خانواده‌های آسیب‌دیده در یک منطقه بحران‌زده تنظیم نماییم؛ بنابراین بهتر است که برنامه‌ریزی‌های مدیریت بحران مبتنی بر شرایط دموگرافیک افراد و خانواده‌ها، نقش‌ها، مسئولیت‌ها و وضعیت بهداشتی انجام گیرد. به همین ترتیب برنامه‌ریزی‌ها باید تمهیداتی را برای پیشگیری، کاهش اثرات، آمادگی و بازیابی و همچنین واکنش‌های مختلف در نظر داشته باشند. در آینده نیز باید با ترویج موضوعات مختلف قومی - فرهنگی مربوط به برنامه‌ریزی در شرایط اضطراری، نیاز به تمرکز بیشتر روی «تاب‌آوری مبتنی بر عمل» به منظور تقویت ظرفیت‌ها و توانایی‌های محلی با تأکید بیشتر بر تعاملات اجتماعی و درکی بهتر از تفاوت‌ها، نیازها، نقاط قوت و ضعف و همچنین آسیب‌پذیری جوامع افزایش یابد.

نقش مدیریت بحران در زلزله تهران

به نظر می‌رسد که هنوز تمهیدات روشن و قابل قبولی برای زلزله احتمالی تهران از سوی ستاد مدیریت بحران کشور به مردم جامعه ابلاغ نشده است. مدیریت بحران زلزله در تهران آن‌گونه نیست که بتوان با برگزاری چند مانور در تعدادی مدرسه یا محله کنترل گردد. باید قویاً تأکید کرد که قضیه جدی‌تر از انجام چنین فعالیت‌هایی است. به منظور افزایش تاب‌آوری در برابر زلزله احتمالی تهران، بهتر است برنامه‌ریزی مدیریت اضطراری بحران مبتنی بر خطر بوده و با برنامه‌ریزی استراتژیک دولت و فرهنگ جامعه ادغام گردد. همچنین خطرات و نحوه مقابله با مشکلات در محیط‌های اجتماعی، اقتصادی و طبیعی مورد توجه و بررسی قرار گیرد. در غیر این صورت، مجموعه نهادهای سلامت روان و ارائه‌دهندگان خدمات روانی - اجتماعی با سیاست‌های برنامه‌ریزی‌شده متفاوت و غیرکارشناسانه ممکن است به صورت جداگانه رسیدن به نتایج مثبت تاب‌آوری در برابر حوادث و بلاها را با مشکل شدید در جامعه روبرو نمایند. این امر منجر به شکاف‌ها، همپوشانی و موازی کاری شده و ممکن است در تمامی سطوح یا بخش‌هایی مانع از اقدام و فعالیت مؤثر و در بخش مدیریتی نیز فاقد هماهنگی گردد. در هنگام وقوع زلزله در تهران هنوز به درستی مشخص نیست که مرجع پاسخگویی سازمان مدیریت بحران است یا وزارت کشور، شهرداری است یا هلال‌احمر. برای مشخص نمودن مرجع اصلی پاسخگویی نیاز به تمرکز جدی روی سیاست اجرایی و بررسی «مسئولیت مشترک» آشکار می‌گردد که در آن از مسئولان رده‌بالای سیاسی کشور تا مدیران محلی، اساتید دانشگاه، مردم منطقه، رهبران معنوی جامعه و بخش خصوصی همگی در حوزه مدیریت اضطراری نقش‌های مشاوره‌ای را اتخاذ نمایند و برای دستیابی به تاب‌آوری یکپارچه و هماهنگ در برابر زلزله احتمالی تهران تلاش کنند. از طرفی افراد و خانواده‌ها باید برای امنیت خود و انجام برنامه‌های ارائه شده و مشاوره در قبل، حین و بعد از این واقعه مهیب مسئولیت بیشتری را جهت افزایش آگاهی قبول نمایند.

این تمرکز جدید بر روی تاب‌آوری مستلزم تلاش جامع و یکپارچه تمام مردم، مشارکت بیشتر، مسئولیت اجتماعی قوی، درک بهتر محیط خطرآفرین و بررسی اثرات بلاها در جامعه‌ای سازگار و توانمند است که در بحران پیش‌آمده همکاری نمایند. درحالی‌که این استراتژی بر روی تاب‌آوری در زلزله متمرکز است، می‌تواند به عنوان یک رویکرد استراتژیک برای آماده‌سازی جامعه در جهت مقابله با حوادث و بلاهای دیگری مانند بیماری‌های همه‌گیر همچون آنفلوانزا، ایبولا و سارس، بیماری‌های مقاربتی و ایدز و همچنین حوادث تروریستی قابل اجرا باشد.

در سراسر ایران مدیریت موارد اضطراری به طور عمده بر عهده مسئولان استانی است و سازمان‌های دولتی و غیردولتی محلی نیز نقش مهمی را در این راستا ایفا می‌کنند. از این رو به ندرت حادثه بزرگی پیش‌آمده که از ظرفیت یک استان برای مقابله مؤثر با آن فراتر رود. در زلزله‌های آذربایجان شرقی، بوشهر و مورموری نیازی به مداخلات خارجی وجود نداشت و تنها در سال‌های اخیر زلزله بم بوده است که نیاز به کمک‌های بین‌المللی پیدا

کرده است. زلزله تهران اگر به درستی مدیریت نشود، سیستم امنیتی کشور فلج گشته و نیروهای مختلف نظامی و غیرنظامی بین‌المللی در صحنه حضور خواهند یافت.

امروزه علم مدیریت بحران در کشور روزبه‌روز در حال توسعه است و در پس این تلاش‌ها، مدیریت بحران در ایران همانند بسیاری از کشورها بر اساس مفهوم پیشگیری، آمادگی، مقابله و بازسازی، بنا شده است. هر چند در طی ده سال گذشته (پس از وقوع زلزله بم) هنوز حرکت چشمگیری جهت تأکید بیشتر بر پیشگیری صورت نگرفته است، با این وجود آمادگی مناسب خدمات اورژانسی به منظور واکنش در برابر حوادث و بلایا و سایر عوارض جانبی آن پیشرفت قابل قبولی داشته و از اهمیت بالایی برخوردار شده است. از این رو در حد امکان تلاش قابل توجهی به منظور مقابله با حوادث و بلایا شده و مسئولان نیز به نوبه خود می‌بایست سیستم‌های جامعی را جهت ارتقاء برخی دیگر از حوزه‌های مدیریت بحران مانند تشکیل تیم‌های حمایت روانی - اجتماعی نمایند. این استراتژی گام دیگری در حمایت از توسعه تاب‌آوری جوامع در برابر حوادث و بلایای طبیعی است و این حمایت شکلی از نمایش صحیح مسیر و راهنمایی در مورد چگونگی دستیابی جوامع به تاب‌آوری بیشتر در برابر هر رویداد بحران‌زا در سراسر ایران را نشان خواهد داد.

سازمان‌های دولتی می‌بایست به طور پیوسته برای فعالیت‌های پیشگیری، آمادگی، مقابله و بازسازی دارای برنامه‌ریزی دقیق باشند و همه ساله این برنامه‌ها را بر اساس تجارب و شواهد موجود به‌روزرسانی نمایند. در واقع، برنامه‌ریزی دقیق و کارشناسی برای هر یک از عناصر مدیریت بحران به ایجاد تاب‌آوری بیشتر کمک می‌کند. به این ترتیب درک این مسئله که مفهوم تاب‌آوری در برابر حوادث و بلایا جایگزین نقاط قوت و توانایی‌های موجود شده حائز اهمیت است. باید پذیرفت که دستیابی به افزایش تاب‌آوری تنها در حوزه دولت و مسئولان مدیریت بحران نیست بلکه مسئولیت مشترک در سراسر یک جامعه است. در حقیقت، در حوزه سازمانی، تاب‌آوری در برابر حوادث و بلایای طبیعی پیامدی طولانی است که مستلزم تعهد بلند مدت مدیران و کارشناسان نیز است و با تغییر مدیران و کارشناسان برنامه‌ها به هیچ عنوان تغییر نمی‌کنند. در حوزه مردمی نیز دستیابی به تاب‌آوری پس از حوادث و بلایای طبیعی نیازمند دستیابی به آموزش و تغییر پایدار رفتار اجتماعی است که نتایج آن در عرض چند سال و در طول چرخه‌های بین‌نسلی آشکار می‌گردد.

ویژگی‌های جامعه تاب‌آور

یک جامعه با تاب‌آوری بالا در برابر زلزله چگونه به نظر می‌رسد؟ آیا مردم تهران در مقابل زلزله از خود تاب‌آوری نشان می‌دهند؟ اگرچه تاب‌آوری جامعه را می‌توان به شیوه‌های بسیار زیادی تعریف کرد، اما بهتر است به جای تعریف جامعه‌ای با تاب‌آوری بالا، استراتژی‌ها، واکنش‌های افراد، رفتار سازمان‌ها و ویژگی‌های مشترک جوامع تاب‌آور تعریف کرد. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

(۱) عملکرد مثبت در حین تنش

(۲) سازگاری موفق

(۳) اعتماد به نفس بالا

(۴) ظرفیت اجتماعی بالقوه

جوامع تاب‌آور همچنین در اهمیت‌دهی به سیستم‌های حمایت اجتماعی از جمله شبکه‌های محلی، روابط نزدیک همسایگی، خانوادگی و خویشاوندی، انسجام اجتماعی، گروه‌های با منافع متقابل و گروه‌های خودکفا سهیم هستند.

اجتماع با تاب‌آوری بالا در برابر حوادث و بلایای طبیعی جامعه‌ای است که:

(۱) مردم خطراتی را که ممکن است بر آنان و سایر هم‌وطنانشان تأثیر منفی بگذارد را به خوبی می‌شناسند. مردم همچنین آن دسته از حوادث و بلایایی را که در کل کشور و مخصوصاً آن دسته از حوادثی را که در منطقه محلی آنان رایج است را شناخته و اثرات منفی آن را درک می‌نمایند. آنها دارای اطلاعاتی جامع راجع به حوادث و خطرات جانی و مالی هستند و اطلاعات پایه‌ای مانند اینکه پس از وقوع زلزله چه کسانی در معرض خطر هستند و اینکه چه کسانی آسیب‌پذیرتر هستند را می‌دانند. آنها اقدام به آماده شدن در برابر حوادث می‌نمایند و برای داشتن واکنشی مناسب در مواقع اضطراری، سازگاری و تاب‌آوری در شرایط بحرانی را آموزش می‌بینند.

(۲) مردم گام‌هایی را برای پیش‌بینی و مقابله با حوادث و بلایا در حفاظت از دارایی‌ها و کسب‌وکار خود از جمله خانه‌ها، مغازه‌ها، اموال، میراث فرهنگی و سرمایه اقتصادی برداشته‌اند، در نتیجه آسیب‌های فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی را به حداقل رسانده‌اند. آنها نسبت به فراهم آوردن منابع لازم در هنگام وقوع بحران متعهد شده‌اند و قادر به سازمان‌دهی خود قبل، در حین و پس از حوادث و بلایا هستند که این مسئله به بازگرداندن فعالیت‌های اجتماعی، مؤسساتی و اقتصادی کمک می‌نماید.

(۳) مردم به همراه مسئولین و معتمدان محلی با استفاده از دانش و منابع خود جهت آمادگی برای مقابله با حوادث و بلایا با یکدیگر همکاری می‌کنند. آنها از نقاط قوت فردی و اجتماعی ساختارها و شبکه‌های اجتماعی موجود استفاده می‌نمایند و جامعه‌ای تاب‌آور از طریق شبکه‌های قوی اجتماعی به وجود می‌آورند که در زمان بحران به افراد و خانواده‌ها پشتیبانی مناسبی ارائه می‌دهد.

(۴) مردم، مقامات محلی و دیگر سازمان‌های مربوطه، قبل، در حین و بعد از شرایط اضطراری با خدمات اورژانس همکاری قابل توجهی می‌نمایند. این روابط تضمین می‌کند که فعالیت‌های مرتبط با تاب‌آوری در جامعه بر اساس دانش محلی اطلاع‌رسانی شده و می‌تواند با اطمینان صورت پذیرد و مکمل کار تیم‌های خدمات فوریتی باشد.

(۵) برنامه‌های مدیریت فوریتی مبتنی بر تاب‌آوری بوده و جهت ایجاد تاب‌آوری در حوادث و بلایا از درون اجتماع در طول زمان شکل گرفته است.

۶) اجتماع، دولت‌ها و دیگر سازمان‌های ذی‌ربط، پیامدهای تاب‌آوری را با نظارت و ارائه خدمات اصلی و اولیه به مردم، توزیع دقیق کالاها و اجرای سیاست‌های بازسازی صحیح مورد بررسی قرار می‌دهند. آنها با واکنش مناسب در برابر حوادث و بلايا مردم را به سمت سازگاری و تاب‌آوری بیشتر هدایت می‌کنند.

۷) در اجتماع با سطح تاب‌آوری بالا، بخش داوطلبان مدیریت فوریت‌ها بسیار قوی و فعال است.

۸) انجمن‌های خیریه و سایر ارائه‌دهندگان خدمات، برنامه‌ریزی همه‌جانبه پایدار و باثباتی را تدارک می‌بینند که با تمهیدات امنیتی و مدیریت فوریت‌ها ارتباط نزدیکی دارد. آنها کلیه اقداماتشان را زیر نظر سازمان‌های ذی‌ربط انجام داده و برای هرگونه فعالیت و مشارکت مردمی مجوزهای لازم را دریافت نموده‌اند.

۹) سیستم‌های آمایش زمین و تمهیدات کنترل ساخت‌وساز تا حد ممکن اجتماع را از قرار گرفتن در معرض خطرات غیرمعمول مانند آسیب‌پذیری از پس‌لرزه‌های شدید حفظ می‌کنند و ترتیبات مناسبی را جهت حفاظت از زندگی و دارایی به اجرا درمی‌آورند.

پس از وقوع زلزله تهران، احساس رضایتمندی تنها از عملکرد سریع نهادهای دولتی، خصوصی و خیریه‌ای به وجود می‌آید. مردم سازوکارها و فرآیندهایی را درک می‌کنند که از آن آرامش، آسودگی و بهبودی ممکن را به دست آورده‌اند. از طرفی باید به مردم آموزش داده شود که حمایت‌ها و خدمات در مرحله اول به منظور رسیدگی به وضعیت افراد آسیب‌پذیرتر جامعه طراحی شده‌اند و برای دریافت این گونه خدمات باید صبوری و تحمل لازم را داشته باشند.

ساختارهای مدیریتی بین سازمانی و مردمی

ما به عنوان یک ملت متحد و منسجم می‌توانیم در برابر حوادث و بلايای طبیعی تغییرات بزرگی را ایجاد و مدیریت نماییم و به طور هماهنگ تلاش کنیم تا از شدت خطرات بکاهیم. دولت باید میزان خطرات را درک کند و آنها را با تمامی سطوح جامعه آشنا سازد. دولت باید همراه با مردم و سازمان‌های تأثیرگذار بر روی تغییرات ضروری کار کند و افراد و جامعه را در جهت اعمال نظر و بر عهده‌گیری مسئولیت اجتماعی توانمند سازد. روش‌های برنامه‌ریزی دولت باید شامل استراتژی‌های کاهش خطر، توانایی مقابله با زلزله از طریق تاب‌آوری و سازگاری بیشتر با کمک سازمان‌های خدمات فوریتی و اجتماع‌محور افزایش یابد. در اینجا باید بینیم که در ابتدا باید چه تغییراتی را در جهت پیشروی و تلاش هماهنگ انجام دهیم:

۱) قوانین منسجم، فرماندهی مشخص و سرگروهی با برنامه نیروها، منجر به پیشرفت، بهبودی و تاب‌آوری در برابر حوادث می‌گردد. مسئولیت فرماندهی و سرگروهی منسجم باید توسط تمامی همکاران در حوزه‌های مدیریت بحران پذیرفته و به شیوه‌ای

هماهنگ بر عهده گرفته شود. ناهماهنگی و فقدان هدایت مشترک، بزرگ‌ترین آسیب را به بدنه مدیریت اجرایی در بحران وارد می‌کند.

۲) هنوز بسیاری از مردم با فرهنگ مسئولیت‌پذیری در برابر آسیب‌های اجتماعی آشنا نیستند. آنها با قبول مسئولیت باید دارای تعهداتی برای محافظت از کسب‌وکار و یا مشکلات اجتماع خود باشند. ما انتظار داریم که مردم دید گسترده‌تری از وظایف خود داشته باشند و فراتر از تهدیدات فوری برای منافع خود اندیشه کنند و در نظر گیرند که چگونه می‌توانند به تاب‌آوری و مقاومت بیشتر جامعه در برابر حوادث کمک کنند. به یاد داشته باشیم که ارائه خدمات اجتماعی تنها در سایه همکاری مناسب و مشارکت مردمی امکان‌پذیر است.

۳) پیچیدگی فزاینده حول زلزله بدین معنا است که مقابله با آن فراتر از ارائه خدمات فوریتی توسط دولت است. با در نظر گرفتن رویکرد کلی دولت نسبت به گسترش دایره مسئولیت‌ها، ما باید به همکاری نزدیک از درون و بیرون بدنه دولت و در تمامی مراحل به منظور پیشگیری، آمادگی، مقابله و بازسازی در برابر حوادث و بلایا بپردازیم. تمامی اساتید، مدیران و مردم می‌توانند در بازسازی کمک نمایند و همکاری‌های موجود در میان دولت، اجتماع، اهالی کسب‌وکار بازار، بخش نیمه‌دولتی و خصوصی را تقویت نمایند. در نتیجه اولویت‌های لازم به شرح ذیل هستند:

۱) مسئولین در تمام سطوح دولتی، اجتماعی، اقتصادی و بخش خصوصی، در تلاش برای تشخیص و فهم خطرات احتمالی وارده بر منافع خود و جامعه‌شان آگاه هستند. آنها مسئولیت کاهش این خطرات را بر عهده می‌گیرند و مفهوم تاب‌آوری در برابر حوادث و بلایا را برای فرایندهای استراتژیک برنامه‌ریزی و برای نقش‌هایی که در آن قادر به تأثیرگذاری هستند، بکار می‌بندند.

۲) مسئولین، گروه‌های مشارکتی و شبکه‌های مختلف را برای ایجاد تاب‌آوری در سطح دولت، کسب‌وکار بازار، محله و اجتماع توسعه می‌بخشند. این مشارکت‌ها مبتنی بر مفهوم مسئولیت مشترک است و نیاز به برنامه‌ریزی و واکنش هماهنگ با دستگاه‌ها دارد.

۳) دولت از طریق تهیه و ارائه دستورالعمل‌ها و اطلاعات، معتمدان محلی، بازاریان و روحانیون را به منظور حمایت از تلاش‌های مردمی در برنامه‌ریزی بر مبنای تاب‌آوری و مقاومت از جمله فعالیت‌های تحمل‌پذیری، مدیریت خطر در حوادث، تعاملات اجتماعی، واکنش سریع در بحران، بهبودی، گسترش روحیه همکاری، معنویت و توانمندسازی کمک می‌کند.

نقش رسانه‌ها در زلزله احتمالی تهران

زیربنای تاب‌آوری جامعه در برابر زلزله تهران، افزایش دانش و درک خطرات مربوط به حوادث محلی است. رسانه‌ها همگی باید مسئولیت درک این خطرات و چگونگی تأثیرگذاری و توانایی‌های خود برای غلبه بر حوادث را به اشتراک گذارند. با درک ماهیت و میزان

خطرات می‌توانیم تأثیرات آن را تحت کنترل قرار دهیم و از شیوه‌ها و روش‌های آمادگی در برابر آن مطلع گردیم.

امروزه پیشرفت‌های قابل توجهی از طریق اختراع فناوری‌های جدید برای ارائه اطلاعات مربوط به خطرپذیری و همچنین تمایل گسترده‌تری برای درک و کاربرد داده‌های در دسترس به منظور اقدامی مناسب در رابطه با اطلاع‌رسانی سریع صورت گرفته است. همکاری‌های موجود میان دولت و سایر سازمان‌ها منجر به توسعه ابزارها و روش‌های مورد نیاز جهت حمایت از آموزش همگانی و درک ملی خطرات حوادث و بلایای طبیعی است. به منظور افزایش تاب‌آوری می‌بایست آموزش‌هایی ویژه مناسب با شرایط هر منطقه در کشور، با کمک نهادهای دولتی و خصوصی و همچنین رسانه‌ها در جهت ارائه اطلاعات درست و دقیق در رابطه با خطرات احتمالی برای جامعه در نظر گرفته شود.

از طرفی پژوهش‌ها و اقدامات بیشتری برای کسب اطلاعات و اشتراک‌گذاری داده‌ها و تعیین چگونگی ارائه مفیدتر اطلاعات مربوط به خطرات حوادث و بلایا به جامعه مورد نیاز است. این بسیار مهم است که هنگام ارائه اطلاعات در رابطه با خطرات حوادث و بلایای طبیعی، چگونگی عملکرد و واکنش مردم را به لحاظ روان‌شناختی، فرهنگی و مذهبی در نظر گیریم، چرا که همان‌قدر که حوادث و بلایای طبیعی غیرقابل‌پیش‌بینی هستند، واکنش مردم به آن نیز می‌تواند کاملاً غیرقابل‌پیش‌بینی باشد. تجربه نشان داده است که نارضایتی، ازدحام مردم، شورش و غارتگری در درجه اول به علت فقدان آموزش و در درجه دوم به نحوه بیان و برخورد نادرست مسئولین با موضوع مرتبط است.

به همین ترتیب، نیاز داریم تا اطلاعاتمان را افزایش دهیم و داده‌های به دست آمده را با سایر مراجع و ارگان‌های ذی‌ربط تقسیم نماییم. اگرچه داده‌های به دست آمده از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت است اما دسترسی مردم به برخی از این اطلاعات می‌تواند در جهت افزایش تاب‌آوری مفید باشد. چنین اطلاعاتی باید فراتر از ارزیابی‌های جانی و مالی و همچنین سنجش‌های ساده اقتصادی باشد؛ بنابراین نیازمند یک پوشش کلی رسانه‌ای با دامنه وسیعی از اطلاعات مربوط به محیط طبیعی، شرایط اجتماعی، موقعیت سیاسی و وضعیت اقتصادی پس از بحران هستیم.

بنابراین اولویت‌های لازم به شرح ذیل هستند:

(۱) ارزیابی و سنجش خطر در حوادث و بلایا باید قبل از وقوع حادثه صورت پذیرد و به طور گسترده در بین افراد در معرض خطر، مسئولان محلی و تصمیم‌گیرندگان از طریق رسانه‌ها به اشتراک گذاشته شود.

(۲) ارزیابی و سنجش خطر، می‌بایست آسیب‌پذیری‌ها و ظرفیت‌های کلیه محیط‌های اجتماعی، اقتصادی و طبیعی را در نظر گیرد.

(۳) روش‌های مناسب و چارچوب داده‌ها در رابطه با خطر و ارزیابی اثرات حوادث و بلایا با هدف فعال‌سازی و اشتراک‌گذاری اطلاعات و تفسیر دقیق آن اعمال گردند.

۴) اطلاعات درباره درس‌های آموخته‌شده از حوادث و بلایای طبیعی گذشته، در رابطه با حوادث محلی، ملی و بین‌المللی جهت استفاده دولت، سازمان‌ها و جوامع برای انجام برنامه‌ریزی مدیریت خطرپذیری و کاهش اثرات منفی و ایجاد تاب‌آوری در دسترس متخصصان، مدیران و تصمیم‌گیرندگان قرار داده شود و از طریق رسانه‌ها نیز این تجارب و درس آموخته‌ها به مردم آموزش داده شود.

۵) فعالیت‌های مشارکتی در جایگاهی قرار دارند که دسترسی بهتر به اطلاعات خطرپذیری و همکاری مؤثرتر در ارزیابی و نظارت بر خطرات احتمالی در حوادث و بلایای رایج در سرتاسر مرزهای اداری و سازمانی، حمایت گسترده‌تری را می‌طلبد.

۶) به طور معمول سازمان‌ها، متخصصان و دولت می‌بایست اطلاعات و نقشه‌های مرتبط با خطرات را به نفع مردم جامعه به اشتراک و نیز قابل دسترسی آسان قرار دهند.

۷) شبکه‌های اجتماعی در سرتاسر بخش‌ها و مناطق بحران‌زده، شکاف اطلاعاتی را پر نمایند و داده‌های جدید را به اشتراک گذارند و در تمامی سطوح آگاهی و شناخت را افزایش دهند.

۸) دانش مربوط به کاهش خطرات و تاب‌آوری می‌بایست در برنامه‌های آموزش و پرورش از جمله برنامه‌های آموزشی مدیران و آموزگاران، بسته‌های آموزش حرفه‌ای والدین، مانورهای دانش‌آموزی و بسته‌های ویژه مؤسسات آموزش عالی گنجانده شود.

۹) هزینه‌ها و سودهای مرتبط با مدیریت بحران می‌بایست از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی با محوریت قرار دادن فعالیت‌های مرتبط با کاهش خطر و افزایش تاب‌آوری اطلاع‌رسانی شود.

۱۰) پیام‌های فوریتی باید شفاف باشند و در صورت نیاز در سراسر کشور منطبق و هماهنگ ارائه گردند.

در صورت وجود و لزوم، داده‌های تصدیق شده و ابزارهای دقیق ارزیابی خطرات در حوادث و بلایا، اجتماع را قادر به درک و واکنش بهتر در برابر خطر می‌سازد.

ارتباط با مردم و آموزش آنان در مورد خطرات

باید پذیرفت که احتمال کاهش خطرات ناشی از حوادث و بلایای طبیعی وجود دارد اما حذف آنها غیرممکن است. از این رو جهت پیشگیری از آسیب‌های روانی - اجتماعی پس از حوادث و بلایا و همچنین مداخله در بحران باید آشکارا خطرات پیش‌بینی شده و گروه‌های آسیب‌پذیر مورد بحث و بررسی قرار گیرند. مردم نیز برای اینکه بیشتر در برابر حوادث و بلایا تاب‌آوری داشته باشند، به درک واضح و روشن‌تری از خطرات مخصوصاً در سطح اجتماعی نیاز دارند. اطلاعات در رابطه با خطرات ناشی از حوادث و بلایا باید به شیوه‌ای مناسب و با در نظر گرفتن سطح تحصیلی و درک فکری مردم بازگو گردد و باید نیازهای مختلف، علائق و شرایط سنی جامعه در نظر گرفته شود. ارتقاء سطح دانش، نوآوری و

آموزش صحیح می‌تواند فرهنگ تاب‌آوری را در تمامی سطوح جامعه ترویج بخشد و به چرخه مستمر یادگیری کمک کند.

دانش و آگاهی برای توانمندسازی هر فرد در جامعه به منظور مشخص ساختن خطرات پس از حوادث و بلایا و اطلاع‌رسانی برای اقدامات آماده‌ساز و کاهش آن خطرات یک اصل اساسی و زیربنایی محسوب می‌گردد. علاوه بر این ارائه اطلاعات مربوطه و در دسترس، در طی مراحل واکنش به یک حادثه حائز اهمیت است. به اشتراک گذاشتن دانش از جمله درس‌های آموخته‌شده از حوادث و بلایای قبلی نیز در جهت ترویج نوآوری دارای اهمیت زیادی است.

برخی از اولویت‌ها ارتباط و آموزش مردم به شرح ذیل است:

(۱) امروزه با پیشرفت استفاده از اینترنت حتی در شهرستان‌های دورافتاده و روستاهای کوچک، بسیاری از مردم خصوصاً جوانان از طریق بررسی و ورود به وبسایت‌ها و پورتال‌های مختلف به جستجوی اطلاعات در مورد حوادث و بلایای پیش آمده در منطقه خود می‌کنند. اطلاعات موجود در وب سایت‌ها و سایر شبکه‌های اجتماعی در مورد خطرپذیری و کاهش آسیب‌های ناشی از حوادث مرتبط با منطقه بحران‌زده می‌تواند دانش محلی مربوطه را به اطلاع مردم برساند و برنامه‌های طراحی شده برای گروه‌های آسیب‌پذیر مختلف را اطلاع‌رسانی نماید. خوشبختانه تجربه نشان می‌دهد که پس از گذشت کمتر از سه روز از زلزله هم در شنبه (بوشهر) و هم در مورموری (ایلام) خطوط اینترنتی وصل شده‌اند و دسترسی به آن آسان بوده است.

(۲) از طرفی به وجود آوردن شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و یا یک شبکه کاملاً تخصصی با کاربری و ابعاد چندگانه مرتبط با بحران پیش‌آمده در منطقه، می‌تواند آزادانه در کلیه بخش‌های پزشکی، روان‌شناختی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیرساختی، اطلاعات مردم را دریافت و اطلاعات به دست آمده را به طور خام و یا همراه با تحلیل به اشتراک گذاشته و در اختیار همگان قرار دهند. این اطلاعات می‌توانند در تمامی سطوح تاب‌آوری، تحمل، همکاری و مهارت‌آموزی، درک مردم را ارتقاء داده و نظرسنجی ویژه‌ای را برای پایه‌ریزی برنامه‌های آتی انجام دهند.

(۳) با اجرای برنامه فوق، مردم آسیب‌دیده از فعالیت‌های مختلف آگاه شده و بنا بر نیاز خود در برنامه‌های آموزشی مناسب و هدفمند، از جمله آنهایی که نقش داوطلبان را برای بالا بردن ظرفیت محلی به منظور کاهش و فائق آمدن بر حوادث برجسته می‌سازد شرکت و حمایت نمایند.

(۴) با تشکیل شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، افراد آسیب‌پذیر دسترسی مساوی، عادلانه و منصفانه به اطلاعات، توزیع اقلام و کالاها، خدمات روان‌شناختی و پزشکی مناسب، آموزش مهارت‌های فردی و اجتماعی پس از حوادث و بلایا و فرصت‌های شغلی و اقتصادی دارند.

(۵) همچنین می‌توان از سایر قابلیت‌های فناوری مانند ایجاد یک سامانه پیامکی مرتبط با زلزله رخ داده برای اشتراک‌گذاری اطلاعات مورد نیاز مردم به منظور ایجاد فضای

آرامش در منطقه، سازگاری با شرایط بحرانی، همکاری با دولت و تاب‌آوری هر چه بیشتر، استفاده نمود.

توانمندسازی افراد جامعه به منظور بر عهده گرفتن مسئولیت

اساس مفهوم تاب‌آوری در برابر حوادث و بلایا این است که افراد جامعه می‌بایست بیشتر به خود اتکا نمایند و آمادگی پذیرش مسئولیت در برابر خطراتی که زندگی آنها را تهدید می‌کند، داشته باشند. تمامی اعضای یک جامعه با تاب‌آوری مناسب، نقش خود را در به حداقل رساندن اثرات حوادث و بلایای طبیعی درک نمایند و دارای دانش، مهارت‌ها و توانایی‌های لازم جهت اقدامی مناسب باشند. یک جامعه تاب‌آور، شرایط رخ داده را با صبوری درک خواهد کرد و دارای توانایی استفاده از شبکه‌های محلی و منابع ضروری جهت حمایت از فعالیت‌های لازم در هنگام شرایط فوریتی و همچنین حمایت از تلاش‌های نهادهای دولتی و غیردولتی برای کمک و بازسازی خواهد بود.

بدین ترتیب افراد تاب‌آور در حین دستیابی به اطلاعات، قضاوتی واقعی و آگاهانه‌تر می‌نمایند. توانمندسازی افراد جامعه جهت تاب‌آوری بیشتر، فراتر از ارائه ساده اطلاعات به آنان است و مستلزم در دسترس بودن منابع شفاف، دقیق و قابل اعتماد در اشکال مختلف و ارائه ابزار به منظور کمک به اجتماع در جهت درک و پاسخ به موارد سؤال‌برانگیز شده است. ارائه خطرات پیش رو و هشدارهای لازم در شرایط بحرانی از اهمیت زیادی برخوردار است، اما برطرف کردن نیازهای اولیه مردم و آموزش آنها برای چگونگی واکنش در برابر حوادث و بلایا نیز به همان اندازه دارای اهمیت است. اعضای یک جامعه با تاب‌آوری بالا و مقاوم در برابر حوادث و بلایا دارای اعتمادبه‌نفس لازم برای درخواست نیازهای اولیه خود از منابع اختصاص داده شده دولتی و خصوصی و دارای توانمندی لازم برای جستجو و کسب اطلاعات از منابع مختلف هستند تا خطرات ناشی از حوادث رخ داده محلی را ارزیابی و روش‌های جلوگیری از ضرر و زیان بیشتر را مورد سنجش قرار دهند. آنها همچنین قادر به اعمال نظر در چگونگی دریافت کمک‌ها در رابطه با مقابله با مشکلات به وجود آمده هستند. این مسئله از اهمیت بالایی برخوردار است که دولت، بنگاه‌های اقتصادی و بخش غیرانتفاعی برای اجرای طرح‌های خود از مردم دعوت به عمل آورد و نظرات آنها را در صورت کارشناسی بودن مورد استفاده قرار دهد. بی‌شک مردم منطقه بحران‌زده بیش از هرکسی آگاه بر نیازهای اولیه خود هستند. البته این فرایند زمانی به وقوع می‌پیوندد که اجتماع بحران‌زده از افرادی آگاه، پرنفوذ و باتجربه تشکیل شده باشد که با ارائه اطلاعات دقیق و مشاوره صحیح، از توزیع کالاها و خدمات گرفته تا مباحث جدید مانند ابزارهای سنجش و ارزیابی خطر و همچنین بیمه محصولات و دارایی‌ها در شکلی کاملاً مناسب برای افزایش سطح تاب‌آوری مردم آسیب‌دیده همکاری نمایند. به راستی این جریان زمانی تحقق پیدا خواهد نمود که جامعه از آگاهی و آموزش مناسبی در برابر مقابله با بحران‌ها قبل از هر حادثه‌ای برخوردار باشد.

- اولویت‌های اساسی برای ارتقاء تاب‌آوری در این حوزه عبارت هستند از:
- (۱) افراد اجتماع بحران‌زده در مورد رویداد رخ داده محلی و اینکه چگونه حادثه ناشی از آن خطر ممکن است بر افراد منطقه اثر مخرب گذارد و همچنین چگونگی کنترل تهدیدات بالقوه و مهار آن در جهت کاهش خطرات، دارای دانش و تخصص کافی باشند.
 - (۲) به یک صداقت دوجانبه بین مردم و مسئولین نیاز است. از طرفی فقط باید اطلاعات دقیق و معتبر توسط مردم به مسئولین ارائه شود و این اطلاعات نه فقط بر اساس نیازهای فردی بلکه متناسب با نیازهای کلیه مردم منطقه باشد و از طرف دیگر سریعاً گروه‌های متخصص در جهت بررسی، تعبیر و تفسیر این اطلاعات به دست آمده اقدام نمایند و پس از به دست آوردن صحت و وسقم آن اطلاعات در اسرع وقت نسبت به برآورده نمودن آن نیازها تلاش نمایند.
 - (۳) افراد یک جامعه با تاب‌آوری مناسب از موارد آسیب‌پذیری در منطقه خودآگاهی دارند و در توسعه و اجرای برنامه‌ها، نیازهای گروه آسیب‌پذیر را در نظر می‌گیرند.
 - (۴) دولت، بیمه‌ها، بانک‌ها، بنگاه‌ها و نهادهای اقتصادی درک بالایی از پیامدهای مالی ناشی از حوادث و بلایای طبیعی به نفع مردم آسیب‌دیده دارند و گزینه‌هایی مانند بیمه حوادث، وام بلاعوض مناسب، بسته‌های مالی کمک‌کننده و هدایای ارزشمند اقتصادی را برای کاهش فشار مالی پیش‌آمده و بازسازی خانه، خرید اسباب و وسایل و همچنین راه‌اندازی مجدد کسب‌وکار در دسترس مردم قرار می‌دهند و انگیزه زیادی را برای کاهش آسیب‌های اجتماعی دیگر مانند مهاجرت به حاشیه شهرها، اثرات نابهنجار بیکاری و گرایش به اعتیاد را برای خانواده‌های آسیب‌دیده به وجود می‌آورند. این یک سود حقیقی و دوجانبه است که در بلند مدت دولت و اجتماع از آن منفعت به دست می‌آورند.
 - (۵) دسترسی به اطلاعات دقیق ضرر و زیان مالی منجر به توانمندی افراد و متخصصان به منظور ارزیابی ملموس در مورد از بین رفتن و تخریب اموال و دارایی‌ها می‌گردد و می‌تواند بنیاد مسکن را برای برنامه‌ریزی‌های مناسب با شرایط اقتصادی مردم یاری دهد.
 - (۶) برنامه‌های اجتماع‌محور و فعالیت‌های آموزشی روان‌شناختی - تربیتی در مدارس، نوجوانان و جوانان را برای انجام کارهای داوطلبانه به سود جامعه تشویق می‌کند.
 - (۷) ارائه‌دهندگان خدمات روانی - اجتماعی و توزیع‌کنندگان کالاها و اقلام مورد نیاز، می‌توانند برنامه‌ریزی مستمری را در بازگشت افراد به زندگی و ایجاد کسب‌وکار در جامعه بحران‌زده به عهده گیرند.

حمایت از ظرفیت‌های موجود برای افزایش تاب‌آوری

در طول تاریخ شهرهای بزرگی بوده‌اند که به واسطه زلزله، سیل و آتش‌سوزی برای همیشه نابود شده‌اند و اثر کمی از آن تمدن‌ها در یادها باقی مانده است. حوادث و بلایای طبیعی می‌توانند ظرفیت سازمان‌های خدمات فوریتی را تضعیف کنند و شرایط اجتماع را به سمت نابودی پیش ببرند. اگر سازمان‌ها نتوانند خدمات‌رسانی را به نحو قابل قبولی انجام دهند،

اجتماع به سمت نارضایتی، ازدحام، شورش و سپس غارتگری پیش می‌رود. این چهار واکنش ممکن است نوعی تلاش غریزی برای بقا و یا نوعی از فقدان اخلاق و فراموشی آموزش‌های شهروندی باشد. تحلیل و پیدا نمودن دلایل این مسئله که وابسته است به رفتار غریزی و یا عدم رعایت اخلاقیات تأثیری روی تاب‌آوری ندارد. ما باید به دنبال انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری بیشتر با سازمان‌های خدمات فوریتی باشیم تا توانایی و ظرفیت خود را در برابر حوادث و پیامدهای منفی پس از آن افزایش دهیم.

تاب‌آوری بیشتر در برابر حوادث و بلایا از تنها طریق یادگیری، نوآوری، آموزش مهارت‌ها و آماده‌سازی منابع انسانی در سطح عملیاتی امکان‌پذیر است. این آماده‌سازی می‌تواند به منظور واکنش به حوادث برای طیف گسترده‌ای از مردم به کار گرفته شود. یک جامعه تاب‌آور در برابر حوادث و بلایا در محلات یا روستاهای خود برنامه‌های گسترده‌ای را به منظور تاب‌آوری در حوادث و بلایا برای خود در نظر گرفته‌اند و به محض وقوع چنین حادثه ناگواری هر نفر از وظایف خود با خبر است و دانش زیادی برای انجام برنامه‌های خود دارد. چنین برنامه‌هایی با تلاش‌های تحقیقاتی مؤسسات، بخش صنعت و دولت همسو است و مورد تأیید آنها است. همسوسازی نتایج تحقیقات اجتماع‌محور با رویکرد فرهنگ‌نگر و نیازهای مختلف جامعه در سیاست‌گذاری‌های دولت، مهم‌ترین شیوه برای دستیابی به افزایش تاب‌آوری خواهد بود و ظرفیت‌های آتی ما را شکل می‌بخشد.

مدت زمانی که برای بهبودی جسمی - روانی و اجتماعی مردم آسیب‌دیده از حوادث و بلایا صرف می‌شود اغلب یکی از قوی‌ترین بازتاب‌های مثبت را برای افراد، خانواده‌ها و جامعه به ارمغان می‌آورد، از این رو می‌توانیم پس از بحران نیز زمانی را برای آموزش‌های جدید به منظور تاب‌آوری در نظر بگیریم. این آموزش‌ها باید بر اساس اصول علمی و وابسته به فرهنگ آن منطقه باشد. برنامه‌های تاب‌آوری و بازیابی بهبودی باید پایدار و بلندمدت در نظر گرفته شود و تصمیمات مهم زندگی افراد پس از بحران را مانند ترک اجباری، تولیدمثل، فروش دام‌ها و اموال باقی‌مانده را مورد بررسی قرار دهد. مشاوره تاب‌آوری و انتخاب سبک‌های زندگی صحیح جهت کاهش قرارگیری در معرض بیماری‌های جسمی - روان‌شناختی و از دست دادن بقیه دارایی‌ها بسیار حائز اهمیت است.

اگرچه اصول امدادگری و حمایت بر اساس فعالیت‌های داوطلبانه صورت می‌گیرد و این ظرفیتی مهم به عنوان یک سرمایه اجتماعی است، اما در حوزه تاب‌آوری که فرایندی بسیار تخصصی است بهتر است از افراد متخصص با استخدام کردن، آموزش مداوم و اعزام مکرر به میدان حادثه حمایت نمود.

جوامع تاب‌آور دارای تمهیدات قوی و با تجربه کافی از اقدامات فوریتی هستند. هم‌زمان با پیشرفت سیستم‌های هشداردهنده و فناوری‌های جدید برای ارائه پیام‌های به موقع هنگام وقوع بلایای طبیعی، مردم جامعه احساس امنیت و آسایش بیشتری می‌کنند. آمادگی جامعه برای کاهش تأثیرات منفی ناشی از بلایای طبیعی از اهمیت زیادی برخوردار است. یک سؤال بنیادی این است که چه کارهای مهمی تا به امروز برای مقابله با اثرات

منفی حوادث و بلایای طبیعی انجام داده‌ایم؟ برای پاسخ به این سؤال باید تمامی زیر حوزه‌های آسیب‌شناسی روان‌شناختی، بافت اجتماعی، مسائل اقتصادی، حوزه مهندسی، امکانات پزشکی و شناسایی محیط‌های طبیعی را به لحاظ شیوع، تنوع، نیازها، نقاط قوت و آسیب‌پذیری‌ها بررسی نماییم.

به منظور ایجاد یک جامعه مقاوم و تاب‌آور، تمرکز جدید روی تمهیدات بازیابی مورد نیاز است. تمامی سازمان‌ها باید درک بهتری از نقش‌های خود داشته باشند و باید آماده ارائه خدمات بازیابی باشند. به نظر می‌رسد که در طی سالیان گذشته برنامه‌ریزی‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها در مقایسه با حوادث و بلایای موجود در کشور، با مشکلات همسان نبوده‌اند.

مواردی از اولویت‌های حمایتی به شرح ذیل آورده شده‌اند:

(۱) فعالیت‌های پیشگیری، آمادگی، مقابله و بازسازی از طریق مشارکت همه جانبه میان تمامی سازمان‌ها، نهادها و مردم جامعه صورت پذیرد. این فعالیت‌ها می‌بایست عمومی باشند و قبل، در حین و بعد از یک حادثه انجام گیرند.

(۲) تمرینات مدیریت در شرایط فوریتی به خوبی درک و انجام شوند و دربرگیرنده ذینفعان مختلف از جمله اعضای جامعه گردند.

(۳) تصمیم‌گیرندگان سیاست‌های اجرایی، شیوه‌هایی را اتخاذ نمایند که از خدمات اورژانس و حمایت‌های روانی - اجتماعی داوطلبانه در جوامع بحران‌زده حمایت کند تا رفته‌رفته این خدمات و حمایت‌ها به رسمیت برسد.

(۴) برنامه ریزان محلی برای واکنش سریع و بهبود یافتن از حوادث، آسیب‌پذیری جامعه را با ترکیب اقدامات چهارگانه برای کاهش خطرات بلایا مورد توجه قرار دهند.

(۵) در مشارکت‌های اجتماع‌محور، نقش استراتژی‌های بازیابی و اشتراک‌گذاری نیازهای بلند مدت محلی توسعه یابد و ابزارهای لازم برای پشتیبانی از برنامه‌های مدیریت بحران ارائه گردد.

(۶) استراتژی‌های بازیابی، کمک‌های جامعه را که به احتمال زیاد در مرحله فوری بهبودی ارائه می‌شوند، بررسی نموده و مجوز شناسایی، تسهیل و هماهنگی منابع ارسالی از سوی جامعه را به عهده گیرد.

(۷) تمهیدات برنامه‌ریزی‌شده مبتنی بر تاب‌آوری محلی، خوداتکایی را متناسب با شرایط جامعه بحران‌زده تشویق و پرورش دهد.

(۸) ارزیابی‌های پس از حوادث و بلایا که تمامی سازمان‌های ذی‌ربط را مشمول می‌سازد، به طور معمول اثربخشی پیشگیری و فعالیت‌های آمادگی و عملیات بازیابی را در نظر گیرند. یافته‌های حاصل از حوادث مهم در کشور و سایر نقاط جهان به طور گسترده به اشتراک گذاشته شود و برای برنامه‌ریزی بهتر تاب‌آوری در حوادث و بلایا مورد تفسیر و تحلیل قرار گیرند.

نتیجه‌گیری

اکنون به منظور ارتقاء سطح تاب‌آوری در زلزله تهران این سؤال مطرح است که چه کاری را از کجا شروع نماییم؟ روشن است که حوادث و بلایای طبیعی از ویژگی‌های پایدار و بخشی از رویدادهای آسیب‌رسان کشور ما هستند، از این رو قطعاً نه در تهران بلکه در سایر کلان‌شهرها نیز چالش‌های بزرگی را پیش رو خواهیم داشت. ما همچنین می‌دانیم که به غیر از بلایای طبیعی؛ خطرات حوادث رانندگی، تغییرات آب و هوایی، کاهش رشد جمعیت و غیره، مردم، جامعه و اقتصاد ما را روزبه‌روز با چالش‌های جدید روبرو می‌سازند. برای فائق آمدن بر مشکلات آینده می‌بایست دارای بنیان محکمی از روابط، سیستم‌ها، اطلاعات و برنامه‌ها و به دنبال آن توانایی، حسن نیت و تعهد از سوی نهادهای دولتی برای ارتقاء تاب‌آوری در برابر حوادث احتمالی باشیم.

اگر افراد و جوامع اثرات رفتارهای خود را بر خود و همچنین خانواده‌ها، جوامع و محیط‌زیست درک کنند، به افزایش ظرفیت آنان جهت تصمیم‌گیری‌های آگاهانه مبتنی بر خطرات ارزیابی‌شده کمک می‌نمایند. ارتقاء سطح تاب‌آوری در حوادث و بلایا مستلزم تغییری پایدار از رفتار در کل جامعه است. دستیابی موفق به تغییر رفتار فراتر از ظرفیت یک سازمان واحد است و مستلزم هماهنگی دولت و مردم در قالب یک فعالیت تمام ملی است. رویکرد تاب‌آوری مسئولیت مشترک ما را برای مقابله با حوادث و بلایا به رسمیت می‌شناسد و فواید شبکه‌های موجود را در سراسر و درون بدنه دولت، بخش خصوصی و جوامع اذعان می‌دارد. دستیابی به تاب‌آوری بالا در حوادث و بلایا نه تنها به تمرکز بر تمهیدات موجود بلکه به چگونگی تشویق افراد و جوامع برای مشارکت فعال بستگی دارد. دولت می‌بایست متعهد به مشارکت در بررسی و اکتشاف فرصت‌های جدید برای ایجاد و ارتقای شبکه‌های محلی و استانی باشد. در صورتی این استراتژی موفق می‌گردد که ما همگی آنچه می‌توانیم را برای کمک به ایجاد سطح تاب‌آوری در حوادث و بلایا از خانه‌ها، رسانه‌ها، فضای کسب‌وکار و کل جامعه خود آغاز نماییم. البته این استراتژی به صورت مجزا عمل نمی‌کند بلکه از طریق یک طرح ملی در چارچوب چندرشته‌ای برای افزایش تاب‌آوری در برابر حوادث و بلایا در سراسر کشور تکمیل می‌گردد. این استراتژی می‌تواند سطح بالایی از فنون و راهنمایی را برای توسعه کار جدید یا مداوم تاب‌آوری در حوادث و بلایا ارائه سازد.

ما باید اولویت‌ها و پیامدهای بعدی این استراتژی را مشخص نماییم تا زیربنایی محکم برای تقویت تمامی بخش‌ها جهت درک و بر عهده گرفتن مسئولیت برای کاهش خطرات خاص در جهت تصمیم‌گیری‌های آگاهانه و اقدام مناسب شکل گیرد. بهتر است که دولت توانمندسازی جامعه را از طریق طرح‌های که ممکن است موجب ایجاد و اشتراک‌گذاری اطلاعات در رابطه با حوادث و خطرات احتمالی وجود دارند حمایت نماید و به صورت محلی با جوامع برای کاهش خطرات و ایجاد ارتقاء در تاب‌آوری فعالیت نماید. واقعیت این است که دولت به تنهایی نمی‌تواند جامعه را توانمند سازد، از این رو اساتید فن و معتمدین محلی باید با جامعه همکاری کنند و برای درک بهتر خطراتی که جامعه با آن مواجه می‌گردد اقدام

نمایند. تنها در این صورت است که برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌ها به درستی اطلاع‌رسانی می‌گردند.

یک استراتژی کامل می‌تواند اهمیت نقش‌هایی را که ما برای رسیدن به سطح تاب‌آوری بیشتر در حوادث و بلایا در ایران ایفا می‌کنیم مشخص نماید. در این استراتژی، متخصصان خواهان ایفای نقش فعالانه افراد، سازمان‌ها و دولت در پست اصلی خود هستند. این چنین است که هیچ‌گونه موازی‌کاری یا اقدامات جزیره‌ای به وجود نمی‌آید. مشارکت به معنای درک بالقوه تمامی نهادها و سازمان‌ها برای ایجاد تاب‌آوری در حوادث و بلایا و حمایت و تأثیرگذاری بر این پیامدها است. مسئولان و سازمان‌هایشان باید چگونگی حمایت از مشارکت درون جامعه را مورد توجه قرار دهند. دولت از طریق اتخاذ و حمایت از استراتژی‌های کارشناسی شده و سیاست‌های اجرایی بلند مدت می‌تواند به پیامدهای مثبت در زمینه تاب‌آوری در حوادث و بلایا دست یابد و برنامه‌های کوتاه مدت و موقتی به هیچ عنوان نمی‌توانند اهداف پیشرو را به سرانجام رسانند.

حقیقت این است که اقدامات مورد نیاز برای اجرای استراتژی‌های تاب‌آوری در سراسر کشور بسیار پرهزینه است. البته این هزینه برای سلامت روانی افراد و سلامت اجتماعی مردم در بلند مدت قابل توجیه است؛ زیرا اگر کنترل نشوند قطعاً آسیب‌های اقتصادی به وجود آورده و سایر منابع را نیز با مشکل بیشتری روبرو می‌کنند. از این جهت منافع حاصل از بهبود سطح تاب‌آوری در حوادث و بلایا هزینه‌های آتی را کاهش خواهد داد. در صورتی که ما منافع جمعی خود را به شیوه‌ای هماهنگ و مشترک جمع‌آوری کنیم، قادر خواهیم بود به آرزوی تاب‌آوری در حوادث و بلایا و مقاومت مردم در برابر هرگونه رویداد ناگواری نائل گردیم. رویکرد تاب‌آوری در حوادث و بلایا در پی تضمین توانایی ما برای سازگاری با حوادث جدید و در حال ظهور و کاهش در معرض خطر قرار گرفتارمان و بهبود یافتن سریع از حوادث به طور مؤثر و در حرکتی روبه‌جلو خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- جزایری، علیرضا؛ دهقانی، محمود (۱۳۸۱). «بررسی رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی، اعتیاد و نیمرخ روانی افراد معتاد در مقایسه با افراد غیرمعتاد». فصل‌نامه اعتیاد پژوهی. سال اول، ۶۵-۶۶.
- کشاوری، سمیه؛ یوسفی، فریده (۱۳۹۱). «رابطه بین هوش هیجانی، هوش معنوی و تاب‌آوری». مجله روان‌شناسی. سال شانزدهم. شماره ۳. ص ۳۱۸-۲۹۹.
- Asgary, Ali; Levy, Jason K.; Mehregan, Nader. (2007). Estimating willingness to pay for a hypothetical earthquake early warning systems. *Journal of Environmental Hazards* 7, no. 4: 312-320.
- Conner, K. M., and Davidson, J. R (2003). *Development of a new resilience scale.*
- Garmzy and Masten A (1991). The protective role of competence indicator children at-risk.
- Hawley. R.D. (2000). Clinical implications of family resilience. *The American journal of family therapy*, 8:101-106.
- Sarvar, H; Amini, J; Laleh-poor, M. , (2011). Assessment of Risk Caused By Earthquake in Region 1 of Tehran Using the Combination of RADIUS, TOPSIS and AHP Models. *Journal of civil engineering and urbanismt*, Volume 1, issue 1: 39-48
- Sergie Balassanian, Armando Cisternas, Mikael Melkumyan. (2000). Earthquake hazard and seismic risk reduction. *Springer*. 290.

